

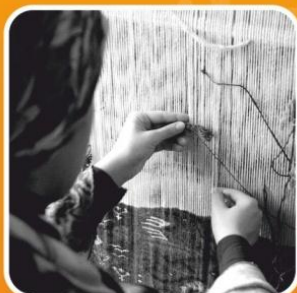


وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

۱۶

مباحثی در حوزه سیاستگذاری اجتماعی

مشارکت اجتماعات محلی در شناسایی فقرا



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چکیده

دولت‌ها در سراسر جهان خواستار هدفگذاری برنامه‌های اجتماعی چتر یا تور ایمنی برای فقرا می‌باشند. یکی از چالش‌های پیشروی کشورهای در حال توسعه، شناسایی صحیح خانوارهای فقیر بدون در دست داشتن اطلاعات موثق در خصوص وضعیت درآمدی آنها است، چرا که بسیاری از فقرا در بخش‌های غیررسمی و ثبت‌نشده اقتصاد ملی مشغول فعالیت می‌باشند. استفاده از اطلاعات غیر موثق در شناسایی خانوارهای واجد شرایط، موجب هدایت منابع مالی به سمت خانوارهای ثروتمندتر و در نتیجه کاهش منابع برای نیازمندان مدنظر می‌گردد. بر همین اساس دولت‌ها برای مقابله با چنین مشکلی از دو شیوه آزمون تقریبی و هدفمندسازی اجتماع-محور استفاده می‌کنند که نیازی به داشتن داده‌های سرشماری و ثبت درآمدهای رسمی در آنها وجود ندارد. این گزارش که خلاصه‌شده یک کار پژوهشی توسط پژوهشگران دانشگاه ام‌آی‌تی است به تجربه کشور اندونزی در این زمینه اختصاص دارد. گزارش حاضر به بررسی تجارب کشور اندونزی در زمینه شناسایی فقرا می‌پردازد. کشور اندونزی محل اجرای یکی از گسترده‌ترین برنامه‌های پرداخت نقدی هدفمند در میان کشورهای در حال توسعه تحت عنوان برنامه پرداخت کمک نقدی مستقیم می‌باشد. در این کشور سه شیوه هدفمندسازی به صورت ارزیابی تصادفی (آزمون تقریبی و وسیع، شیوه اجتماع-محور و شیوه ترکیبی که در آن افراد شناسایی شده توسط اعضای اجتماعات محلی بوسیله آزمون تقریبی و وسیع مورد تایید قرار می‌گیرند)، مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج بررسی نشان می‌دهد در میان سه شیوه معرفی شده، آزمون تقریبی وسیع کمترین میزان خطای کلی را در شناسایی و هدفمندی خانوارها داشته است. در صورتی که فقر را زندگی با ۲ دلار یا کمتر در روز تعریف کنیم، آزمون تقریبی وسیع نسبت به سایر شیوه‌ها در شناسایی فقرا بهتر عمل کرده است. اما مزیت اصلی هدفمندسازی اجتماع-محور به شکل رضایتمندی جامعه محلی، هزینه اندکی بیشتر این رویکرد را توجیه می‌کند.

عنوان: مشارکت اجتماعات محلی در شناسایی فقرا

Vivi Alatas, Abhijit Banerjee, Rema Hanna, Benjamin A. Olken, and Julia Tobias
(۲۰۱۲) "Targeting the Poor: Evidence from a Field Experiment in Indonesia", American
Economic Review, ۱۰۲(۴): ۱۲۰۶-۱۲۴۰

مترجم: مریم‌السادات میرمالک ثانی؛ ویراستار علمی: جعفر خیرخواهان؛ ویراستار ادبی: تقی طزری؛ ناظر
چاپ: ابراهیم نجار؛ چاپ: سادات چاپ

کلید واژه‌ها: روش‌های شناسایی فقرا، آزمون تقریبی و وسیع، مشارکت اجتماع-محور.
وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، معاونت رفاه اجتماعی، دفتر مطالعات رفاه اجتماعی
شماره گزارش: ۱۶؛ تاریخ انتشار تیرماه ۱۳۹۳

فهرست مطالب

۳	پیش گفتار.....
۴	مشارکت اجتماعات محلی در شناسایی فقرا.....
۶	ارزیابی برنامه‌های شناسایی فقرا.....
۸	نتایج.....
۹	درس‌های سیاستی.....

فهرست جداول

۷	جدول ۱ : شیوه‌های هدفمندسازی.....
---	-----------------------------------

فهرست اشکال

۸	شکل ۱ : میزان خطای هدفمندسازی در هر یک از شیوه‌های شناسایی.....
۹	شکل ۲ : تأثیر هر یک از شیوه‌ها بر رضایتمندی جوامع محلی.....

پیش گفتار

گزارش حاضر به مقایسه سه رویکرد شناسایی و هدفگذاری فقر در ۶۴۰ روستای اندونزی می‌پردازد:

(۱) آزمون تقریب وسیع که برای پیش‌بینی میزان مصرف خانوارها از شاخص دارایی‌ها استفاده می‌کند، (۲) هدفمندسازی اجتماع محور که جامعه محلی اقدام به رتبه‌بندی همه ساکنان روستا از ثروتمندترین به فقیرترین می‌کند، و (۳) رویکرد ترکیبی. در آزمون تقریب وسیع، میزان خطا در شناسایی خانوارها ۳۰٪ بوده است در حالی که در شیوه‌های اجتماع محور و ترکیبی ۳۳٪ خانوارها به طور نادرست رتبه‌بندی می‌شوند که این میزان حدود ۱۰٪ افزایش در نرخ خطا را نشان می‌دهد. با تعریف خط فقر براساس ۲ دلار برابری قدرت خرید مصرف سرانه، مشخص گردید هدفمندسازی اجتماع محور و ترکیبی نسبت به آزمون تقریب وسیع در شناسایی فقر بدتر عمل کردند، اگر چه تفاوت آنقدر زیاد نیست که برنامه فقرزدایی را متاثر سازد. همچنین دخالت رهبران محلی در فرایند شناسایی به حدی نبوده است که این نتایج متفاوت را توضیح دهد. بلکه به نظر می‌رسد جوامع محلی تعریف متفاوتی از فقر را در ذهن خود دارند. مزیت اصلی هدفمندسازی اجتماع - محور در قالب رضایتمندی جامعه محلی، هزینه اندکی بیشتر این رویکرد را توجیه می‌کند.

احمد میدری

مشارکت اجتماعات محلی در شناسایی فقرا

اگرچه رویکرد اجتماع محور برای انتخاب افراد واجد شرایط دریافت برنامه پرداخت‌های نقدی از دقت کمتری نسبت به آزمون تقریب وسع برخوردار است، اما موجب بهبود رضایتمندی در سطح محلی می‌شود و با مفهوم فقر از دید افراد فقیر مطابقت بیشتری دارد.

دولت‌ها در سراسر جهان خواستار هدفگذاری برنامه‌های اجتماعی چتر ایمنی برای فقرا می‌باشند. یکی از چالش‌های پیش روی کشورهای در حال توسعه، شناسایی صحیح این خانوارها بدون در دست داشتن اطلاعات موثق در خصوص وضعیت درآمدی آنها می‌باشد، چرا که بسیاری از فقرا در بخش‌های غیررسمی مشغول فعالیت می‌باشند. استفاده از اطلاعات غیر موثق در شناسایی خانوارهای واجد شرایط، موجب هدایت منابع مالی به سمت خانوارهای ثروتمندتر و در نتیجه کاهش منابع برای نیازمندان مدنظر می‌گردد.

بر همین اساس دولت‌ها برای مقابله با چنین مشکلی از دو شیوه که نیازی به ثبت درآمدهای رسمی در آنها وجود ندارد استفاده می‌کنند: آزمون تقریب وسع (PMTs)^۱ و هدفمندسازی اجتماع-محور^۲.

آزمون تقریب وسع، از طریق جمع‌آوری اطلاعات ساده بر اساس دارایی‌های خانوارها، درآمدهای آنها را پیش‌بینی کرده و تخمین می‌زند. در شیوه هدفمندسازی اجتماع-محور، دولت‌ها به اعضای اجتماعات محلی اجازه می‌دهند ذینفعان را شناسایی و انتخاب کنند. در این شیوه عقیده بر آن است که اعضای اجتماعات محلی اطلاعات بهتری در مورد سطح فقر همسایگان خود دارند. البته این احتمال نیز وجود دارد که اعضای فرادست این اجتماعات به گونه‌ای از فرآیندهای هدفمندسازی استفاده کنند که دوستان و اقوام آنان که بالای خط فقر زندگی می‌کنند نیز از مزایای برنامه پرداخت‌های نقدی بهره‌مند گردند. از این رو، روش‌های اجتماع محور می‌توانند موجب افزایش منابع هدایت شده به سمت خانوارهایی گردد که صلاحیت برخورداری از مزایای برنامه را ندارند. انتخاب میان این دو رویکرد عمدتاً به توازن میان اطلاعات بهتر و مکفی اجتماعات محلی در مقابل خطر احتمالی هدایت نادرست منابع در رویکرد اجتماع-محور بستگی دارد.

در کشور اندونزی سه شیوه هدفمندسازی به صورت ارزیابی تصادفی (آزمون تقریب وسع، شیوه اجتماع-محور و شیوه ترکیبی^۳ که در آن افراد شناسایی شده توسط اعضای اجتماعات محلی بوسیله آزمون تقریب وسع مورد تایید قرار می‌گیرند مورد آزمون قرار گرفت تا مشخص گردد، کدام شیوه به طور دقیق‌تری خانوارهای واجد شرایط دریافت مزایای برنامه پرداخت‌های نقدی را شناسایی نموده و موجب افزایش سطح رضایتمندی در میان اجتماعات محلی می‌گردد.

^۱ Proxy means tests

^۲ Community based targeting

^۳ Hybrid

مشارکت اجتماعات محلی در شناسایی فقر

این ارزیابی توسط ویوی العطاس (بانک جهانی) آبهجیت بنرجی (ام آی تی) رما هانا (هاروارد) بنجامین اولکن (ام آی تی) و جولیا تو بیاس (استنفورد) انجام شده است.

O آزمون تقریب وسیع در شناسایی تعداد بیشتری از خانوارهایی که با ۲ دلار یا کمتر در روز زندگی می کنند، بهتر عمل کرده است.

آزمون تقریب وسیع نسبت به سایر شیوه ها یعنی اجتماع محور و ترکیبی درصد بیشتری از خانوارهای واجد شرایط را شناسایی می کند، اما تفاوت های اندک در صحت و دقت شناسایی، اثرات متفاوت چشمگیری بر نرخ فقر در کشور اندونزی نخواهد داشت.

O با این حال هدفمندسازی اجتماع محور موجب افزایش سطح رضایتمندی افراد در اجتماعات محلی می گردد.

اعضای جوامع محلی رضایت بیشتری از شیوه اجتماع محور خواهند داشت چرا که با این شیوه درصد بیشتری از خانوارهایی که خود را به عنوان فقیر شناسایی کردند در زمره ذینفعان قرار می گیرند.

O شیوه ترکیبی نسبت به دو شیوه دیگر عملکرد خوبی نداشته است.

ترکیب کردن آزمون تقریب وسیع و هدفمندسازی اجتماع محور موجب کاهش دقت در ارزیابی و کاهش سطح رضایتمندی اجتماعات محلی می گردد.

O به نظر می رسد اجتماعات محلی از تعریف جایگزین برای فقر استفاده می کنند که بیشتر مبتنی بر عایدات احتمالی خانوار می باشد تا مصرف خانوار.

به عنوان مثال این اجتماعات، خانوارهای زن سرپرست و خانوارهای با سطح تحصیلات پایین را صرف نظر از سطح مصرف روزانه آنها به عنوان خانوارهای فقیرتر رتبه بندی می کنند.

O رهبران در اجتماعات محلی فرآیند هدفمندسازی را تغییر نداده اند.

پژوهشگران هیچ ادله ای مبنی بر هدایت نادرست منابع نقدی توسط فرادستان در اجتماعات محلی به سمت دوستان و اقوام آنها در شیوه اجتماع محور یافت نکردند.

ارزیابی برنامه‌های شناسایی فقرا

کشور اندونزی محل اجرای یکی از گسترده‌ترین برنامه‌های پرداخت نقدی هدفمند در میان کشورهای در حال توسعه تحت عنوان برنامه پرداخت کمک نقدی مستقیم می‌باشد. این برنامه به طور موقت کمک هزینه‌ای در حدود ۱۰ دلار آمریکا در ماه برای کمک به ۱۹.۲ میلیون خانوار به منظور مقابله با افزایش قیمت سوخت در سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۰۶ و مجدداً در سال ۲۰۰۸-۲۰۰۹ پرداخت کرد. با استفاده از رویکرد ترکیبی که رهبران اجتماعات محلی، فهرستی از خانوارهای واجد شرایط تهیه می‌نمایند و از سوی دولت نیز پیمایشگران، آزمون تقریب و سنج را برای تایید خانوارهایی که در موقعیت زیر خط فقر قرار گرفته‌اند، انجام می‌دهند. در سال ۲۰۰۸ بیش از نیمی از کل خانوارهایی که زیر خط فقر زندگی می‌کردند از برنامه محروم شدند و بسیاری از شهروندان نارضایتی شدید خود را در مورد شیوه انتخابی هدفمندسازی اعلام نمودند.

از همین رو به منظور بهبود برنامه‌های هدفمندسازی، محققان شروع به انجام فعالیت و همکاری با اداره مرکزی آمار اندونزی، سازمان غیردولتی میترا سامیا و بانک جهانی در سال ۲۰۰۸-۲۰۰۹ نمودند تا بتوانند تاثیر سه شیوه متفاوت هدفمندسازی را بر میزان خطای هدفمندسازی، نرخ فقر ملی و رضایتمندی اجتماعات محلی ارزیابی کنند. در یک مرحله، پرداخت نقدی به مبلغ ۳۰۰۰۰ روپیه (حدود ۳ دلار) به خانوارهایی که زیر خط فقر قرار داشتند در ۶۴۰ روستا و دهکده در ایالات سوماترای شمالی، سولاوسی جنوبی و جاوای مرکزی داده شد. محققان به طور تصادفی یکی از سه شیوه (آزمون تقریب و سنج، اجتماع-محور و ترکیبی) را برای شناسایی خانوارها به منظور پرداخت نقدی به آنها در هر یک از روستاها و دهکده‌های مشخص در نظر گرفتند و بر همین اساس پرداخت‌های نقدی (سه‌میه تعیین شده دولتی) به فقیرترین خانوارها که توسط این شیوه‌ها انتخاب شده بودند، صورت گرفت.

شمارک اجتماعات محلی در شمالی قرا

جدول ۱: شیوه‌های هدفمندسازی

پیمایشگران به منظور تعیین امتیاز آزمون تقریب وسع، ۴۹ نماگر مبتنی بر دارایی‌های خانوار، ترکیب خانوار، آموزش و اشتغال ثبت کردند. بر همین اساس خانوارهایی که پایین ترین امتیاز را در آزمون تقریب وسع کسب کردند از مزایای برنامه پرداخت نقدی در روستاها برخوردار گردیدند.	شیوه آزمون تقریب وسع
ساکنین یک منطقه در نشست‌های محلی که توسط تسهیلگران آموزش‌دیده راهبری می‌گردند، خانوارها را از ثروتمندترین تا فقیرترین رتبه‌بندی می‌کنند. فقیرترین خانوارها بر اساس رتبه‌بندی اعضای اجتماعات محلی، پرداخت نقدی را دریافت می‌کنند.	شیوه اجتماع - محور
در این شیوه، رتبه‌بندی خانوارها توسط اجتماعات محلی با آزمون تقریب وسع تأیید شده ترکیب می‌شود. بدین ترتیب که بعد از رتبه‌بندی خانوارها توسط ساکنین محلی، پیمایشگران دولتی استحقاق برخورداری آنان از مزایای برنامه پرداخت نقدی را با کمک آزمون تقریب وسع تأیید می‌کنند.	شیوه ترکیبی

به منظور آزمون مداخله رهبران اجتماعات محلی در هدایت منابع، صرفا این افراد، و نه کل جامعه محلی، در جلسات مربوط به رتبه‌بندی خانوارها بر اساس شیوه‌های اجتماع‌محور و ترکیبی در مناطقی که به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند دعوت می‌گردند. جهت مقایسه درستی و صحت هدفمندسازی در ابتدا و انتهای جلسات مربوط به رتبه‌بندی خانوارها، محققین به طور تصادفی ترتیب خانوارهایی که رتبه‌بندی شده‌اند را مشخص کردند.

محققین در سال ۲۰۰۸ به منظور گردآوری داده‌های مربوط به سرانه مصرف خانوار (معیاری برای اندازه‌گیری درآمد در کشورهای در حال توسعه)، دارایی‌ها، ویژگی‌های جمعیت‌نگاری و شبکه‌های خانوادگی و دوستان، پیمایش پایه با جامعه آماری ۵۷۵۶ خانوار در ۶۴۰ روستا و دهکده انجام دادند. آنها سنجش صحت و درستی شیوه‌های آزمون تقریب وسع، اجتماع‌محور و ترکیبی را از طریق مقایسه فهرست خانوارهایی که بر اساس پیمایش پایه با ۲ دلار یا کمتر در روز زندگی می‌کردند با خانوارهایی که بر اساس نتایج سه شیوه مشخص فوق پرداخت نقدی دریافت می‌کردند، انجام دادند. محققین خط فقر هر مکان خاص را بر اساس دلار PPP (نرخ برابری قدرت خرید) که با تفاوت قیمت کالا و خدمات درون و بین کشورها تعدیل شده است، تعریف نمودند.

در زمان انجام پیمایش پایه، محققین معیارهای ذهنی فقر را از طریق مصاحبه با خانوارها به منظور رتبه‌بندی همسایگان از فقیرترین به ثروتمندترین و ارزیابی سطح فقر و جایگاه خود آنان در رتبه‌بندی گردآوری کردند. در نهایت، بعد از انتخاب افراد مستحق برخورداری از مزایای پرداخت نقدی، محققین از طریق مصاحبه با خانوارها و ایجاد صندوق‌های پیشنهادات و انتقادات، رضایتمندی اعضای اجتماعات محلی را از روند فوق گردآوری نمودند.

نتایج

در میان سه شیوه معرفی شده، آزمون تقریب وسع کمترین میزان خطای کلی را در شناسایی و هدفمندی خانوارها داشته است. در صورتی که فقر را زندگی با ۲ دلار یا کمتر در روز تعریف کنیم، آزمون تقریب وسع نسبت به سایر شیوه‌ها بهتر عمل کرده است. در آزمون تقریب وسع میزان خطا در شناسایی خانوارها ۳۰٪ است در حالی که در شیوه‌های اجتماع محور و ترکیبی ۳۳٪ خانوارها به طور نادرست رتبه بندی می شوند که این میزان در حدود ۱۰٪ افزایش در نرخ خطا را نشان می دهد. محققین بر این عقیده اند که هدفمندی بر اساس آزمون تقریب وسع و شیوه اجتماع محور در صورتیکه به منظور گزینش ذینفعان برنامه ملی پرداخت نقدی مورد استفاده قرار گیرد در نهایت تأثیر مشابهی بر وضعیت فقر خواهد داشت.

شکل ۱: میزان خطای هدفمندی در هر یک از شیوه‌های شناسایی

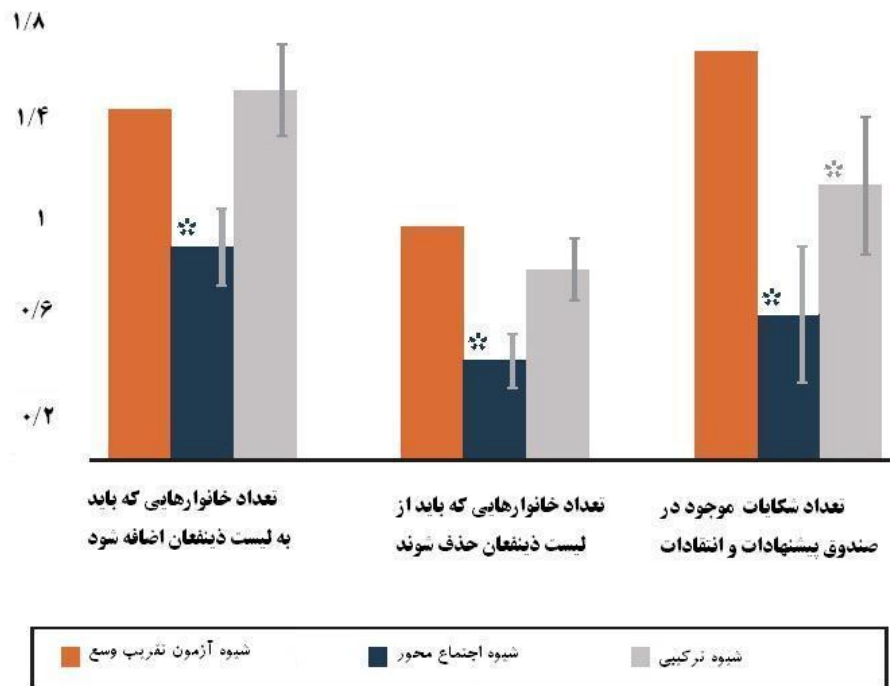


شیوه اجتماع محور منجر به رضایت اجتماعی بیشتر و انتخاب بهتر خانوارهایی می‌گردد که خود را در گروه فقرا شناسایی کرده‌اند. گرچه شیوه اجتماع محور درصد کمتری از خانوارهای مستحق برخورداری از مزایای برنامه پرداخت نقدی را به درستی شناسایی می‌کند اما این شیوه درصد بیشتری از خانوارهایی که خود را در گروه فقرا شناسایی کرده‌اند در برمی‌گیرد. در شیوه اجتماع محور سایر اعضای اجتماعات محلی، به طور چشمگیر رضایتمندی بیشتری از فرایند شناسایی، برنامه پرداخت نقدی و فهرست ذینفعان برنامه دارند (شکل ۲). سطح بالای رضایتمندی همچنین به فرایند تخصیص آسان‌تر در روستاهای مورد استفاده از شیوه اجتماع محور منتهی می‌گردد.

رتبه‌بندی خانوارها در روستاها با شیوه اجتماع محور، اجتماعات محلی را ترغیب می‌کند تا مفهوم فقر را با در نظر گرفتن پتانسیل درآمد خانوار علاوه بر مصرف آنها به اشتراک بگذارند. فهرست ذینفعانی که بر اساس شیوه اجتماع محور در روستاها استخراج گردیده با ارزیابی‌های ذهنی خانوارها از وضعیت فقر خودشان همبستگی نزدیک دارد. به علاوه اعضای اجتماعات محلی در رتبه‌بندی خانوارها از فقیرترین به ثروتمندترین، اهمیت بیشتری به درآمد احتمالی و آسیب‌پذیری آنها به

شمارک اجتماعات محلی در شبانه‌فرا

جای مصرف خانوار در نظر می‌گیرند و زنان بیوه سرپرست خانوار و خانوارهای با سطح تحصیلات پایین‌تر را صرف‌نظر از سطح مصرف روزانه آنها به عنوان فقیرتر رتبه‌بندی می‌کنند.
 شکل ۲: تأثیر هر یک از شیوه‌ها بر رضایتمندی جوامع محلی



هیچ ادله‌ای مبنی بر مداخله رهبران محلی در فرآیند شناسایی و هدفمندی وجود نداشت. احتمال بهره‌مندی دوستان و اقوام اعضای فرادست اجتماعات محلی از مزایای برنامه پرداخت نقدی در صورت وجود کنترل بیشتر در فرآیند رتبه‌بندی، بسیار کم می‌باشد. در صورت تکرار برنامه در طول زمان و فراهم شدن امکان دستکاری سیستم توسط افراد ممکن است این روند دچار تغییر شود.

میزان دقت شیوه ترکیبی کمتر از آزمون تقریب وسیع بوده و رضایتمندی کمتری نسبت به شیوه اجتماع محور در میان افراد بوجود می‌آورد. نرخ خطا در شیوه ترکیبی مشابه شیوه اجتماع محور بوده (۳۳٪) اما رضایتمندی پایین‌تری را در میان افراد بوجود آورده است. به طور میانگین نرخ شکایت و نارضایتی در شیوه ترکیبی نسبت به آزمون تقریب وسیع ۰.۵۵ کمتر بوده در مورد شیوه اجتماع-محور نیز این میزان ۱.۰۹ پایین‌تر بوده است.

درس‌های سیاستی

مزایای عمده هدفمندسازی اجتماع-محور در قالب رضایتمندی جامعه محلی بر هزینه‌های اندک این شیوه از حیث دقت برتری دارد بویژه اینکه هدفمندسازی توسط آزمون تقریب وسیع و شیوه اجتماع-محور در نهایت تأثیرات مشابهی بر وضعیت فقر در سطح ملی خواهند داشت.

آزمون تقریب وسیع در شناسایی افرادی که زیر خط فقر زندگی می‌کنند در مقایسه با شیوه اجتماع-محور بهتر عمل کرده است. اما شیوه اجتماع-محور در سایر حوزه‌ها عملکرد بهتری داشته است. در این شیوه فهرست ذینفعان به عنوان فقیر با مفهوم فقر در ذهن فقرا منطبق می‌باشد.

مشارکت اجتماعات محلی نیز به طور چشمگیری موجبات بهبود رضایتمندی از فرآیند شناسایی و برنامه پرداخت نقدی را فراهم می‌آورد. اگر رضایتمندی جامعه محلی به عنوان یک پیامد مهم در برنامه چتر ایمنی اجتماعی تلقی گردد هدفگذاری مبتنی بر شیوه اجتماع-محور بهتر از آزمون تقریب وسع عمل می‌نماید بویژه اینکه بسیاری از محققین پیش‌بینی می‌کنند این دو شیوه در نهایت تأثیر مشابهی بر نرخ فقر در کشور اندونزی دارند. در حالی که مداخله اعضای فرادست به نفع دوستان و اقوام آنها در برخورداری از مزایای برنامه پرداخت نقدی در شیوه اجتماع‌محور هنوز ثابت نشده است اما نیاز است تحقیقاتی در آینده به منظور بررسی احتمال رخداد این موضوع در سایر اجتماعات محلی و یا با تکرار برنامه پرداخت نقدی صورت گیرد.

بهبود شیوه‌های هدفمندسازی ترکیبی نیازمند شناسایی بیشتر این شیوه و آزمودن آن می‌باشد.

یک مزیت عمده شیوه ترکیبی در این است که علاوه بر اینکه امکان شرکت اعضای جوامع محلی را در هدفمندسازی فراهم می‌کند خطر احتمالی مداخله رهبران در فرآیند شناسایی را به نفع اقوام و دوستان خود به حداقل می‌رساند. با توجه به اینکه در یک دوره برنامه پرداخت نقدی مشکل مداخله نخبگان وجود ندارد از این رو، این شیوه در کاهش خطا در فرآیند شناسایی موثر نخواهد بود. نیاز است تحقیقات آتی به منظور بررسی احتمال طراحی شیوه‌های ترکیبی جدید در راستای ترکیب مزایای آزمون تقریب وسع و شیوه‌های اجتماع-محور صورت گیرد. نویسندگان این مطالعه در حال ارزیابی آزمون‌هایی هستند که امکان افزایش سطح رضایتمندی اعضای اجتماعات محلی و دقت شناسایی و هدفمندسازی در شیوه ترکیبی بهبود یافته را بررسی می‌نماید.

توصیه‌هایی در خصوص مشارکت اعضای اجتماعات محلی در اندونزی

هر آنچه مردم می‌خواهند به آنها بدهید: افزایش مشارکت جوامع محلی در انتخاب پروژه‌های زیرساختی محلی به طور چشمگیر موجب بهبود رضایتمندی جوامع می‌گردد. مسیرهای کاهش فساد: نظارت بر جوامع محلی، میزان فساد در پروژه‌های محلی را کاهش نمی‌دهد مگر اینکه اقدامات مربوط به پیشگیری از مداخله رهبران محلی به نفع گروهی از افراد خاص صورت گیرد.

گزارشات منتشر شده معاونت رفاه اجتماعی

۱. وضعیت فقر و نابرابری در ایران در دوره ۸ ساله ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (آذرماه ۹۲)
۲. نقدی بر واگذاری بیمه‌های درمان به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛ (دفتر بیمه‌های سلامت) (آذرماه ۹۲)
۳. نقدی بر ادغام سازمان‌های بیمه‌گر در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی: تجربه سایر کشورها؛ (دفتر بیمه‌های سلامت) (آذرماه ۹۲)
۴. نقد و بررسی داده‌های سالنامه آماری در حوزه آسیب‌های اجتماعی؛ (دفتر امور آسیب‌های اجتماعی) (دیماه ۹۲)
۵. تحلیل محتوای اخبار آسیب‌های اجتماعی در رسانه‌ها؛ (دفتر امور آسیب‌های اجتماعی) (دیماه ۹۲)
۶. بررسی وضعیت طلاق در کشور بین سال‌های ۸۴ و ۹۱؛ (دفتر امور آسیب‌های اجتماعی) (دیماه ۹۲)
۷. نگاهی به گفتمان رهبر معظم انقلاب پیرامون سبک زندگی، تعاون و اقتصاد مقاومتی؛ (دفتر امور آسیب‌های اجتماعی) (دیماه ۹۲)
۸. توانمندسازی خانوارهای ساکن در محله‌های فقیرنشین همگام با هدفمندسازی یارانه‌ها؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (بهمن ماه ۹۲)
۹. برنامه راهبردی کاهش فقر در ایران؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (اسفند ۹۲)
۱۰. طرح جامع ظرفیت‌سازی سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه رفاه و تأمین اجتماعی؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (اسفند ۹۲)
۱۱. برنامه یارانه خوراک در آمریکا (SNAP)؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (اسفند ۹۲)
۱۲. مشروط‌سازی دریافت یارانه نقدی به انجام آزمایشات رایگان پزشکی؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (اردیبهشت ماه ۹۳)
۱۳. پتانسیل تحقق‌نیافته ایران، مخزن استعدادهای بهره‌بردار نی‌شده؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (خرداد ماه ۹۳)
۱۴. نگاهی به پدیده سوء مصرف مواد مخدر در ایران؛ (دفتر امور آسیب‌های اجتماعی) (خرداد ماه ۹۳)
۱۵. شکل‌گیری دولت رفاه و سرمایه‌داری هماهنگ در ژاپن و آلمان؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (تیرماه ۹۳)
۱۶. مشارکت اجتماعات محلی در شناسایی فقر؛ (دفتر مطالعات رفاه اجتماعی) (تیرماه ۹۳)



دولت‌ها در سراسر جهان خواستار هدفگذاری برنامه‌های اجتماعی چتر ایمنی برای فقرا می‌باشند. یکی از چالش‌های کشورهای در حال توسعه، شناسایی صحیح خانوارهای فقیر بدون داشتن اطلاعات موثق در خصوص وضعیت درآمدی آنها است، چرا که بسیاری از فقرا در بخش‌های غیررسمی و ثبت‌نشده اقتصاد ملی فعالیت می‌کنند. استفاده از اطلاعات غیرموثق در شناسایی خانوارهای واجد شرایط، موجب هدایت منابع مالی به سمت خانوارهای ثروتمندتر و در نتیجه کاهش منابع برای نیازمندان مدنظر می‌گردد. بر همین اساس دولت‌ها از دو شیوه آزمون تقریبی و هدفمندسازی اجتماع-محور استفاده می‌کنند که نیازی به داشتن داده‌های سرشماری و ثبت درآمدهای رسمی در آنها وجود ندارد. گزارش حاضر تجارب کشور اندونزی در زمینه شناسایی فقرا بررسی می‌کند. اندونزی یکی از گسترده‌ترین برنامه‌های پرداخت نقدی هدفمند در میان کشورهای در حال توسعه اجرا کرد. این کشور سه شیوه هدفمندسازی (آزمون تقریبی و سه شیوه اجتماع-محور و ترکیبی)، به صورت ارزیابی تصادفی انجام شد. نتایج بررسی نشان می‌دهد در بین این سه شیوه، آزمون تقریبی و سه کمترین میزان خطای کلی را در شناسایی و هدفمندی خانوارها داشت، به طوری که نسبت به سایر شیوه‌ها در شناسایی فقرا بهتر عمل کرده است. اما مزیت اصلی هدفمندسازی اجتماع-محور به شکل رضایتمندی جامعه محلی، هزینه اندکی بیشتر این رویکرد را توجیه می‌کند.

